

شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۶ | ۲۳ شعبان ۱۴۲۸

🕌 نماز جمعه

دیگر زمان مناظره و رقابت تمام شده و زمان رفاقت فرا رسیده است، گفت: از امروز رقابت باید به رفاقت تبدیل شود.

آیت‌الله موحدی‌کرمانی، خطیب نماز جمعه این هفته تهران اظهار کرد: آنچه در مناظرات گفته شد بر اساس نیت درونی منتخبان بود و اینکه وظیفه‌شان اخوت، برادری، صمیمیت، صفا و همکاری است، پس اگر جمله‌ای گفتند که در شأن انقلاب و مردم نبوده دقت کنند و اگر جدی گفته‌اند به خاطر آن به درگاه الهی توبه کرده و از مردم عذر خواهی کنند.

■ منتخب مردم باید صالح و به فکر ضعفا باشد

امام جمعه موقت تهران با اشاره به اینکه فردی که انتخاب می‌شود مدیریت اجرایی چهار ساله کشور را به دست می‌گیرد، خاطر‌نشان کرد: فردی که انتخاب می‌شود باید صالح، پاک و فعال باشد و به فکر ضعفا، اسلام و پیاده کردن قوانین جمله قانون اساسی باشد و مردم در زمینه انتخاب خود حتما تصمیم‌شان را گرفته‌اند، چراکه عده‌ای عظیم در انتخابات شرکت کردند.

موحدی کرمانی با اشاره به اینکه شاهد حضور چشمگیر مردم در فضایی آزاد و با امنیتی کامل در پای صندوق‌های رأی بودیم، تصریح کرد: این آزادی و امنیت چشم دنیا را خیره کرده و به امنیت ایران غیبه می‌خورند که این امنیت و آزادی در سایه وحدت، ایمان، روحیه انقلابی و تبعیت از ولایت به دست آمده است.

خطیب نماز جمعه این هفته تهران خاطر‌نشان کرد: پیام حضور گسترده مردم در انتخابات این است که مردم به نظام اسلامی خود پایبند هستند و با مسئولان پیوند و به آنها اعتماد دارند و اینکه مردم در مدیریت کشور سهم اساسی داشته و بلکه تمام مدیریت را آنها به عهده دارند. موحدی کرمانی در ادامه اظهار کرد: این امنیت، عزت و پایدنی به قانون در تمام انتخابات‌های گذشته وجود داشته و اگر احیاناً در موردی تخلفی اتفاق افتاده و قانون شکنی شده است و افراد اِدی تشنج‌آفرینی کرده‌اند سبیلی محکمی به دست مردم صالح خورده‌اند و رسویه شده‌اند.

■ رئیس‌جمهور منتخب باید در عمل تابع ولایت باشد

امام جمعه موقت تهران در ادامه خطاب به رئیس‌جمهور آینده گفت: از آنجا که ایران هر

کدخدایی: از رأی ملت پاسداری می‌کنیم



سرخنگوی هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام کرد: ما این اطمینان را به مردم می‌دهیم که با توجه به حضور ناظران شورای نگهبان سر صندوق‌ها و تدابیر اندیشیده شده بتوانیم به خوبی پاسدار رأی مردم باشیم.

به گزارش فارس، عباسعلی کدخدایی سخنگوی هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات

ریاست‌جمهوری با حضور در ستاد مرکزی نظارت بر دوازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در جمع خبرنگاران با اشاره به آخرین وضعیت نظارت ستاد مرکزی ناظر بر انتخابات، اظهار داشت: ما در ستاد مرکزی نظارت بر انتخابات با استان‌ها ارتباط

در هر کجا که ایران به دست کارگزاران ترسو افتاد، عملاً کل کشور دچار ضرر و زیان فوق‌العاده‌ای شد. نزدیک‌ترین مثالی که در این باره می‌توان علاوه بر سقوط حکومت صفوی سراغ آن رفت، بحث جدا شدن حکومت هرات از ایران و انعقاد قرارداد ننگین پاریس بود که در نهایت به جدا شدن نزدیک به ۵۰۰ هزار کیلومتر مربع از خاک عزیز کشورمان در مقابل استثمار گران‌وقت انگلیسی انجامید.

عبدالله شهبازی مورخ کشورمان در این خصوص می‌نویسد که ایران با توجه به نفوذ گسترده نظامی خود در منطقه هرات می‌توانست عملاً این منطقه در دستان خود حفظ کند، اما در مقابل برخی از سیاستمداران ایرانی چنین عقیده‌ای نداشتند. پس از فتح هرات و حمله انگلستان به سواحل جنوبی ایران بسیاری از ایرانیان آماده مقابله با نیروهای مهاجم بودند اما در مقابل کارگزاران دولت قاجار به دنبال مصالحه با انگلیسی‌های بودند.

احمد خانملک ساسانی می‌نویسد: «میرزا آقاخان خود را دستپاچه [و] وحشت‌زده نشان داد، از بی‌حساب بودن قوای انگلیس و اشغال سر تاسر خاک ایران به عرض شاه رسانید، لذا بدون درنگ مصمم شدند فرخ خان کاشی را که صندوقدار شاه بود برای عقد صلح با انگلیسی‌ها به پاریس بفرستند.» اعتمادالسلطنه می‌نویسد: «و [فرخ‌خان کاشی] خود پولی از انگلیس‌ها گرفت [و] با اباحتاعش این کار [را] کردند و عاجلاً کار صلح را پرداختند و مصالحه را منعقد نمودند. اگر شتاب نکرده بودند... انگلیس‌ها مضطرب و مستأصل می‌شدند و کار به دلخواه می‌گشت: هرات را مسترد نمی‌کردیم و بنادر خود را مسترد نمی‌نمودیم بلکه به قسمت‌عمده‌ای از افغانستان دست می‌انداختیم و خسارت جنگی قابلی از دولت انگلیس می‌گرفتیم، افسوس که عجله فرخ‌خان نگذاشت... هرات از دست رفت بلکه حق ثابت ما در افغانستان باطل شد. ایران به جای آنکه خیلی منتفع شود مبلغ‌های گزاف متضرر شد.»

پالسیس

سرویس سیاسی۸۸۴۹۸۴۳۶



امام جمعه موقت تهران:

رقابت‌ها از امروز باید به رفاقت تبدیل شود

هنوز داده نشده است.

موحدی کرمانی با اشاره به اینکه نیروهای مسلح پایه‌های استحکام نظام هستند و باید مورد احترام رئیس‌جمهور آینده باشند، ادامه داد: رئیس‌جمهور آینده باید قدردان حرکت‌های انقلابی نیروهای مسلح باشد که به قدرت دفاعی کشور می‌افزایند، چراکه استکبار جهانی به ضعفا رحم نمی‌کند و با مذاکره خطر حمله دشمن دفع نمی‌شود.

■ رئیس‌جمهور منتخب باید ساده‌زیست باشد

امام جمعه موقت تهران تأکید کرد: رئیس‌جمهور آینده برای انتخاب معاونان و مشاوران خود از افرادی استفاده کند که مسئولیت را امانتی الهی و خدمت به نظام به مردم را عبادت می‌دانند. موحدی کرمانی با تأکید بر اینکه رئیس‌جمهور آینده باید توانایی کار کردن داشته باشد و برخوردار

🗳 چهره‌ها

پالسیس

سرویس سیاسی۸۸۴۹۸۴۳۶

امام جمعه موقت تهران در ادامه به بیان انتقاداتی در زمینه پذیرش سند ۲۰۳۰ پرداخت و گفت: خوشبختانه رهبر آگاه و بیدار و مدافع از حریم دین و قرآن و انقلاب هشدارهای لازم را در این زمینه به دولت دادند.

■ مسئولان درباره حج با مردم شفاف باشند

موحدی کرمانی ضمن تشکر از سازمان حج و زیارت برای تلاش‌های خود جهت انجام مراسم حج خاطر‌نشان کرد: فضای مجازی پر شده از صحبت‌هایی مبنی بر اینکه امام جمعه مکه خاک‌بر سر ملحد، جان و ناموس ایرانیان و شیعیان را تهدید کرده و این فاجعه است که کسی در پست امامت جمعه مکه چنین غلطی را بکند.

وی تأکید کرد: اگر مسئولان حج مذاکراتی کرده‌اند و با دولت عربستان قراردادی بسته‌اند که امنیت مردم ایران در مراسم حج تأمین می‌شود باید برای مردم شفاف‌سازی کنند و البته بدانند که در چنین مراسمی تنها نمی‌توانند به دولت عربستان که به وعده‌هایشان اعتباری نیست، اعتماد کنند، چون امام جمعه هم در بین مردم تأثیر بسیاری دارد و اگر چنین صحبت‌هایی دارد می‌تواند برای حجاج ما خطراتی داشته باشد.

خطیب نماز جمعه تهران در ادامه به مسئولان سازمان حج توصیه کرد که امنیت مراسم حج را برای مردم به صورت شفاف توضیح دهند و گفت: توصیه می‌کنم برای پیشگیری از تکرار فاجعه منا رمی جمرات بعدازظهر انجام شود که خلوت تر است.

وی با اشاره به اینکه ارتش و نیروهای عراق و سوریه با پشتیبانی مردم به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یافته‌اند، گفت: داعش عقب رانده شده و موصل به زودی به تصرف دولت عراق در می‌آید و این جای تریک و تقدیر دارد.

موحدی کرمانی در ادامه خطبه‌های نماز جمعه تهران گفت: این روزها امریکا نیز گرفتار رئیس‌جمهوری شده است که غلای این کشور اندک اندک در عقل او شک می‌کنند و در فکر مدیریت کند، ایران را در عرصه مادی و معنوی پیش برد، توان حل مشکلات کشور را داشته باشد و به دنبال اشرافی‌گری نبوده بلکه ساده‌زیست باشد، اسیر فرهنگ غرب نبوده و دشمن از آمدنش خوشحال نشود.

خطیب نماز جمعه این هفته تهران در ادامه توصیه‌های خود به رئیس‌جمهور آینده افزود: رئیس‌جمهور نباید میان روستاهای ماه و تهران فرق بگذارد و باید با فقر و فساد مبارزه کرده و مدد‌رصد تابع ولایت فقیه در عمل باشد.

اقدام روزنامه دولتی در جعل پیام به‌نام سردار سلیمانی!

کرده و اکنون نیز همان موضع برقرار است. وی با محفوظ دانستن حق پیگرد موضوع از مراجع قانونی برای سپاه تصریح کرد: بنابر روش همیشگی سپاه پاسداران، هر گونه موضع‌گیری‌هایی از این دست توسط فرماندهان در موارد مختلف، از طریق روابط عمومی یا سخنگوی سپاه اعلام شده و غیر از آن هر مطلبی فاقد ارزش است و به شدت تکذیب می‌شود. بنابه این گزارش، در این پیام جعلی که در آخرین ساعات منتهی به رأی‌گیری انتخابات در کاتال تلگرامی «روزنامه ایران» منتشر شده است، با شیطنت شعار انتخاباتی یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری گنجه‌اند شده بود.



حاج قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه، سردار سرتیپ دوم پاسدار رمضان شریف در گفت‌وگویی اظهار داشت: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیش از این مواضع خود در قبال انتخابات و به ویژه استفاده از نام فرماندهان، به خصوص سردار سلیمانی را اعلام

چرا شاه سلطان حسین‌ها دشمن مردم‌سالاری دینی هستند

قدرشناسی رأی مردم با شجاعت کارگزاران در مقابل دشمن



در هر کجا که ایران به دست کارگزاران ترسو افتاد، عملاً کل کشور دچار ضرر و زیان فوق‌العاده‌ای شد. نزدیک‌ترین مثالی که در این باره می‌توان علاوه بر سقوط حکومت صفوی سراغ آن رفت، بحث جدا شدن حکومت هرات از ایران و انعقاد قرارداد ننگین پاریس بود که در نهایت به جدا شدن نزدیک به ۵۰۰ هزار کیلومتر مربع از خاک عزیز کشورمان در مقابل استثمار گران‌وقت انگلیسی انجامید.

عبدالله شهبازی مورخ کشورمان در این خصوص می‌نویسد که ایران با توجه به نفوذ گسترده نظامی خود در منطقه هرات می‌توانست عملاً این منطقه در دستان خود حفظ کند، اما در مقابل برخی از سیاستمداران ایرانی چنین عقیده‌ای نداشتند. پس از فتح هرات و حمله انگلستان به سواحل جنوبی ایران بسیاری از ایرانیان آماده مقابله با نیروهای مهاجم بودند اما در مقابل کارگزاران دولت قاجار به دنبال مصالحه با انگلیسی‌های بودند.

احمد خانملک ساسانی می‌نویسد: «میرزا آقاخان خود را دستپاچه [و] وحشت‌زده نشان داد، از بی‌حساب بودن قوای انگلیس و اشغال سر تاسر خاک ایران به عرض شاه رسانید، لذا بدون درنگ مصمم شدند فرخ خان کاشی را که صندوقدار شاه بود برای عقد صلح با انگلیسی‌ها به پاریس بفرستند.» اعتمادالسلطنه می‌نویسد: «و [فرخ‌خان کاشی] خود پولی از انگلیس‌ها گرفت [و] با اباحتاعش این کار [را] کردند و عاجلاً کار صلح را پرداختند و مصالحه را منعقد نمودند. اگر شتاب نکرده بودند... انگلیس‌ها مضطرب و مستأصل می‌شدند و کار به دلخواه می‌گشت: هرات را مسترد نمی‌کردیم و بنادر خود را مسترد نمی‌نمودیم بلکه به قسمت‌عمده‌ای از افغانستان دست می‌انداختیم و خسارت جنگی قابلی از دولت انگلیس می‌گرفتیم، افسوس که عجله فرخ‌خان نگذاشت... هرات از دست رفت بلکه حق ثابت ما در افغانستان باطل شد. ایران به جای آنکه خیلی منتفع شود مبلغ‌های گزاف متضرر شد.»

پالسیس

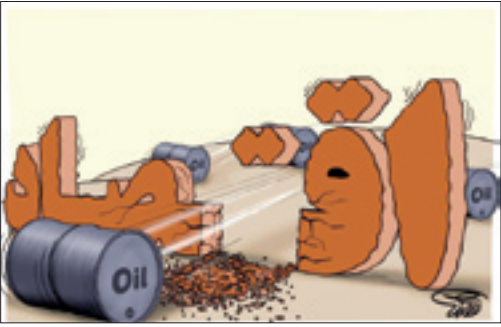
مرتضی خاک‌راد

نسبت دولت‌های توسعه‌گرا با محرومان

گفتمان حاکم بر هر دولتی می‌تواند تا اندازه فراوانی نسبت آن دولت با مسائل گوناگون و ساحات اجتماع را تبیین کند و به آن دولت راهکار بدهد، برای نمونه اگر بخواهیم نمونه غیروطنی این موضوع را مثال زنیم، می‌توان از دولت‌های مستقر در اروپای غربی و ایالات‌متحده نام برد که در مقطع پس از جنگ جهانی دوم، دیدگاه اقتصادی کینزی و نئو کینزی را سرلوحه کار خود قرار دادند و برای برون‌رفت از مشکلات اقتصادی متعدد خود، به بازار آزاد پناه بردند، اما پس از مدتی دیدگاه تشکیل دولت رفاه (یا تکیه بر آرای فردیمن) به الگوی غالب در کشورهای اروپای غربی و ایالات‌متحده تبدیل شد و سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها نیز براساس همین دیدگاه شکل گرفت که البته نتوانست به اهداف خود برسد.

در ایران پس از انقلاب اسلامی نیز (به‌استثنا سال‌های جنگ تحمیلی که مسئله اصلی کشور مقابله با دشمن خارجی بود) هر کدام از دولت‌ها با شعارها و گفتمان‌های خاص خود روی کار آمدند و سعی داشتند تا همه برنامه‌های خود را در آن راستا شکل دهند، برای مثال دولت اصلاحات، توسعه سیاسی و فرهنگی را در اولویت کار خود قرار داد و به همین ترتیب بود که نهادهای مدنی تقویت شدند و سعی شد تا آزادی بیان به امری متداول در فضای سیاسی کشور تبدیل شود. دولت پس از اصلاحات نیز شعار عدالت را به‌عنوان گفتمان اصلی خود بر گزید و سعی داشت که با باز توزیع منابع این امر را محقق سازد، حال آنکه هر کدام از این دولت‌ها در تحقق شعارهای خود تا چه‌میزان موفق بودند و چه سود و ضرری را متوجه کشور و نظام سیاسی ساختند، موضوع دیگری است که در این مجال نمی‌گنجد.

گفتمان دولت توسعه‌گر (یا تأکید بر توسعه اقتصادی) نیز از دیگر گفتمان‌هایی بود که در مقطع حساس پس از جنگ تحمیلی بر دولت مستقر حاکم شد و دولت فعلی نیز نسخه اصلاح‌شده همان دیدگاه است که سعی دارد با اصلاحاتی همان رویه را پیش گیرد. حال سؤال مهم و اساسی اینجاست که پیشینه نظری و سابقه عملی دولت‌های توسعه‌گر در ایران پس از انقلاب اسلامی چه حکایت و روایتی از جایگاه محرومان و مستضعفان (و به تعبیر خدایان، «افشار آسیب‌پذیر») دارد و چه‌جانبه از وضعیت کشور، با صدور پیامی دجار چه تحولاتی از پس چنین دیدگاه و گفتمانی می‌شود. دولت هاشمی رفسنجانی در شرایطی روی کار آمد که کشور از ویرانی‌های جنگ تحمیلی متحمل خسارات بسیاری شده بود و طبیعتاً باید در مسیر بازسازی قرار گیرد. امام خمینی (ره) نیز با درکی همه‌جانبه از وضعیت کشور، با صدور پیامی ۹ماده‌ای، الزامات بازسازی کشور را تبیین و در یکی از بندها تأکید کردند: «اکثریت این قشر [آحاده‌اشهدا] و زرمندگان عزیز اسلام از طبقات محروم و کم‌درآمد بودند و مرهقین کمتر دل برای انقلاب سوختند، ولی وظیفه ماست که در حد توان و مقدرات قدرشناس زحمات آنان باشیم و من میل ندارم که کم‌درآمد بودند و مرهقین کمتر دل برای انقلاب سوختند، ولی وظیفه ماست که در حد توان و مقدرات قدرشناس زحمات آنان باشیم و من میل ندارم که این قدرشناسی فقط در حد تعریف و تمجید ظاهری خلاصه شود، بلکه باید در همه‌موقع امتیازات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی به آنان بها داده شود...» در حالی که در این پیام و بسیاری دیگر از پیام‌های امام خمینی و رهنمودهای



مقام معظم رهبری (به‌خصوص در سال‌های نخستین رهبری و هم‌زمان با دولت مرحوم هاشمی رفسنجانی) تأکید فراوانی بر رسیدگی به مستضعفین و جلوگیری از افزایش فشارها بر آنان شده بود، اما دولت سازندگی در گام نخست نام مستضعفین را به افشار آسیب‌پذیر تغییر داد و در گام بعد نیز صریحاً به بیان رفتن این طبقه در مسیر توسعه اقتصادی اشاره کرد. مرحوم هاشمی رفسنجانی در خطبه معروف به «مانور تجمل»، بدون در نظر گرفتن همه تأکیدات امام خمینی و مقام معظم رهبری، از الزامات توسعه اقتصادی سخن گفت و بیان داشت که «حتی اگر در فرایند تعدیل، ۱۵ درصد جمعیت کشور که عموماً دهک‌های محروم جامعه بودند، در زیر چرخ‌های توسعه له شوند، اشکال ندارد.»

دولت هاشمی رفسنجانی بی‌محبا و بدون در نظر گرفتن تبعات اجتماعی و اقتصادی سیاست‌های تعدیل اقتصادی دست به اجرای سریع آن زد و حاصل این سیاست‌ها نیز چیزی جز فشار بر طبقات فرودست جامعه نبود. فشارهای اقتصادی کار را به جایی رساند که در هشتم مرداد سال ۷۰ یادگار امام خمینی از فشار شکستنده اقتصادی به مردم گفت و بیان داشت که «اقتصاد بیمار ما بیشتر از هر زمانی به راماندازی چرخ‌های تولید نیاز دارد. اگر کسانی فکر کنند که در تبیین مسائل اقتصادی و فرهنگی جامعه باید همه تعریف کنند، خود را گول می‌زنند و از واقعیت‌های جاری جامعه فاصله گرفته‌اند. امروز گرانی و کمبود و فشار اقتصادی بر دوش خیل محرومان جامعه به‌صورت شکننده‌ای در آمده است و باید عاجلاً چاره‌ای برای آن اندیشید.»

اگرچه دولت یازدهم به‌نسبت سایر دولت‌های پیشین شدیداً از ناحیه دارا بودن هویتی مشخص و پایگاه اجتماعی معلوم رنج می‌برد، اما همان‌طور که در مقدمه بحث گذشت، این دولت نیز ذیل یک دولت توسعه‌گرا تعریف می‌شود که هم در مسیر رسیدن به توسعه، توجه چندانی به عواقب آن ندارد و هم برای رسیدن به این مهم، ارتباط با بیرون را کلید حل مسئله می‌داند. در راستای همین گفتمان است که می‌توان گزاره‌های متعددی را در کنار هم قرار داد تا به‌راحتی به این نتیجه‌رسید که سیاست‌های حمایتی از محرومان در این دولت حالتی کاملاً تبعی داشته و هیچ اصالتی نمی‌توان برای آن قائل شد. دولت یازدهم پس از استقرار خود، بلافاصله مهم‌ترین طرح‌های حمایتی پیشین (که ممکن است به نحوه اجرای آن نیز انتقادات مهمی وارد باشد) را در حالت تعلیق قرار داد و با مزخرف خواندن طرح مسکن مهر، مسکن اجتماعی را جایگزین آن کرد که هیچ‌گاه نیز عملی نشد.

در نگاه این دولت نیز خدمت به مردم (و به‌خصوص طبقات پایین) نه یک وظیفه ذاتی بلکه وظیفه‌ای تبعی است و اینجاست که دریافت حقوق‌های نجومی اجتناب‌ناپذیری در میان مردان دولت ندارد. شاید مهم‌ترین دلیل بر بی‌اهمیت بودن طبقات پایین دست جامعه در دولت فعلی نیز همان آمارهای ضرب جینی باشد که نشان می‌دهد با آغاز فعالیت دولت روحانی در سال ۱۳۹۲ و با توجه به اینکه ضرب جینی در این سال نیز ۰/۳۷ بوده است، شکاف طبقاتی رو به افزایش گذاشته و فاصله طبقاتی در کل کشور بیشتر شده است، چنان‌که در سال دوم کاری دولت می‌بینیم که ضرب جینی به ۰/۳۸ و در سال سوم کاری این دولت نیز طبق آخرین آمار منتشرشده توسط مرکز آمار به ۰/۳۹ افزایش پیدا کرده است.

شاخص دومی که در زمینه نشان دادن فاصله طبقاتی به کار می‌رود، نسبت ثروتمندترین به فقیرترین افراد جامعه است که هرچقدر این نسبت کاهش پیدا کند، نشان‌دهنده کاهش فاصله میان ثروتمندان و فقیران است. توجه به آمار رسمی مرکز آمار در این خصوص نشان می‌دهد سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به فقیرترین جمعیت در سال ۱۳۸۹ معادل ۱۴/۷۱ بوده است که در دو سال پایانی دولت قبل به ارقام فوق‌العاده ۱۰ و ۱۰/۴۸ کاهش پیدا می‌کند، ولی هرچند این شاخص هم با روند نزولی و قابل دفاع خود به دولت یازدهم رسید، اما در این دولت از ۱۰/۶۸ در سال ۱۳۹۲، به ۱۲/۳۳ و ۱۲/۶۵ در سال‌های ۹۳ و ۹۴ افزایش پیدا کرد.

با نگاهی به آماري که توسط خود دولت یازدهم منتشر شده است، می‌توان به این نتیجه‌رسید که حسن روحانی و دولتش نه‌تنها در رسیدگی به محرومان و مستضعفین تعلل و سستی کرده بلکه با سیاست‌های اعلامی و اعمالی خود مسبب افزایش فشارهای اقتصادی به این قشر بوده‌اند و خود عاملی بوده‌اند در بازتولید نابرابری‌های اقتصادی.